

نماد یکی از صور خیال شعر فارسی است که برخلاف سایر صور خیال در کتاب‌های درسی چنان توجهی به آن نشده است. بر این اساس، نویسنده مقاله بر آن است تا به معرفی بیشتر این آرایه بپردازد.

کلید واژه‌ها:

نماد، رمز، سمبلیسم، نماد عرفانی

### مقدمه

طرح سخن به شیوه نمادین و به کارگیری تمثیل‌های ادبی، کوششی در جهت زیندگی و جلای متن محسوب می‌گردد و جذابیت این بار مثبت، با لطافت و ظرافتی زیرکانه از تباط خواننده فهم را با مقصود استزای بیان به بقراری می‌سازد. نمادهای از جمله ابزارهای شناخت و بنیادی‌ترین نمادهای تصویری شمار می‌آیند. هر نماد، تصویری محسوس و شناخت‌شده و گاه ملموس است.

ایرج جمشیدی  
دبیر دبیرستان‌ها  
و مدرس مراکز پیش‌دانشگاهی  
تهرانستان نور

که بر معنا و حقیقتی استرایی در ذهن انسان تأکید دارد. زبان نمادین و رمزگونه این تصاویر در متون ادبی قابل پیگیری است و این رمزگونه‌گی، نمادهای خاص می‌بخشد. ادبی شایسته و قرابتی از فنون بسیار هنر مندانه‌ای است که در رمز یا نماد یکی از فنون بسیار هنر مندانه‌ای است. فرهنگ و تمدن انسان جلوه‌های گسترده و متنوعی دارد و از دیرباز مورد قرار گرفته است. شاعران بزرگ زنجین‌تر می‌شوند چرا که با نماد پرده خیال رنگین‌تر انواع صور خیال را در ادبیات ایران سرشار از رمز و نشانه‌ها است. ادبیات در بین تمامی گونه‌های ادبی، بخصوص در ادبیات عرفانی ریشه‌های عمیقی یوانده است.

## ۱. تعریف نماد

در کتب لغت و فرهنگ‌های فارسی چندین معنا برای نماد آمده است؛ معانی‌ای چون «ظاهر شدن»، «نمایان گردیدن»، «اظهار و وانمود غرض» و... (فرهنگ آندراج)

این معانی به اندازه‌ای ناقص و مختصرند که هیچ کمکی در شناخت واژه «نماد» و «نمادگرایی» به ما نمی‌کنند. اگر بخواهیم اطلاعات بیشتری دربارهٔ این واژه به دست آوریم، به ناچار باید به کلمات مترادف آن مراجعه کنیم. واژه‌هایی چون «رمز»، «مظهر»، «نشانه»، «علامت»، «اشاره»، «سر»، «ایما»، «مَثَل»، «نما»، «نمود»، «نماینده» و... اما این واژه‌ها نیز در معنی لغوی خود کمکی به ما نمی‌کنند و باید به معنای اصطلاحی آنها رجوع کنیم.

«قدمت بن جعفر» (وفات ۳۳۷ ه.ق) دربارهٔ «رمز» به عنوان یک اصطلاح در کتاب «نقدالنتز» گفته است: «گویندگان آن گاه که می‌خواهند مقصود خود را از کافهٔ مردم بیوشانند و فقط بعضی را از آن آگاه کنند، در کلام خود رمز به کار می‌برند. بدین‌سان برای کلمه یا حرف، نامی از نام‌های حیوانات، پرندگان، وحوش و یا اجناس دیگری یا حرفی از حروف معجم را رمز قرار می‌دهند و کسی را که بخواهد مطلب را بفهمد، آگاهش می‌کنند.» (پور نامداریان، ۱۳۶۷: ۳) به عبارت دیگر، (رمز عبارت است از هر علامت، اشاره، کلمه یا کلماتی که بر مفهوم ظاهری دلالت کند. اصطلاح «نماد» اصطلاحی جدید است و اینک چند تعریفی را که دربارهٔ نماد ارائه شده است، نقل می‌کنیم.)

محمود فتوحی در کتاب «بلاغت تصویر» دربارهٔ نماد این‌گونه می‌گوید: «نماد بیانگر کلیات و مفاهیم بزرگ به وسیلهٔ موضوعات جزئی است اما این موضوعات و تصاویر جزئی چنان زنده و جاندارند که ذهن را تسخیر می‌کنند.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۶۱)

«نماد بهترین تصویر ممکن برای تجسم امور نسبتاً ناشناخته‌ای است که نمی‌توان آنها را به شیوهٔ روشن‌تر نشان داد.» (دلاشو، ۱۳۶۴: ۹)

«نماد همه چیز را توضیح می‌دهد، فرد را به سوی مفهومی گسیل می‌دارد که این مفهوم در ماورا هم غیرقابل ادراک است یا ابهام پیش فرضی دارد و هیچ کلمه‌ای در هیچ یک از زبان‌های رایج نمی‌تواند آن را کامل بیان کند.» (شوالیه، ۱۳۷۸: ۳۴)

«نماد چیزی است و عموماً شیئی کم و بیش عینی که جایگزین چند چیز دیگر شده و بدین علت بر معنایی دلالت دارد.» (لافورگ رنه و آلتدی رنه، ۱۳۷۴: ۱۳)

آنچه در تعریف «نماد» بیان شده، همچنان چند پهلو و ناگشوده باقی مانده است اما شناخت نمادها برای هر فرد لازم و ضروری است و به تعبیر استاد کزازی «برای آگاهی از آنچه در ناخودآگاه می‌گذرد، به ناچار باید زبان نمادها را دانست و از آنها راز گشود.» همان‌طور که می‌دانید نماد را معادل لغت فرانسوی «symbol» پذیرفته‌اند و صاحب‌نظرانی که به تعریف سمبل پرداخته‌اند،

با دید وسیع‌تری به آن نگرسته و آن را علاوه بر «شیء یا موجودی که معرف موجودی مجرد است» (معین، ۱۳۷۵: ۱۹۱۸)، شامل علامت‌های قراردادی و اختصاری نیز دانسته‌اند.

«سمبل بر آن است تا معمولاً اموری را عینی کند» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۹۰)

«سمبل شیئی از جهان شناخته‌شده است که به چیزی از جهان ناشناخته اشاره می‌کند و معنی چیزی بیان ناشدنی را بیان می‌کند.» (یونگ، ۱۳۷۸: ۴۲۵)

اما اگر خواسته باشیم تعریفی مختصر و مفید از نماد ارائه دهیم، باید بگوییم که نماد عبارت است از هر گفتار یا تصویری که علاوه بر معنای آشکار و صریح خود، معنای کنایه‌ای و پوشیده نیز در خود دارد.

اریک فروم تعریف جامعی از زبان نمادین (سمبلیک) ارائه کرده است که با بیان آن این گفتار را به پایان می‌بریم. او می‌گوید: «زبان سمبلیک زبانی است که تجربیات درونی و احساسات و افکار را به شکل پدیده‌های حسی و وقایعی در دنیای خارج بیان می‌کند و درست مثل این است که انسان به انجام کاری مشغول بوده یا واقعه‌ای که در دنیای مادی اشیا برایش اتفاق افتاده باشد.» (اریک فروم، ۱۳۴۹: ۲) اریک فروم معتقد است که «زبان سمبلیک زبانی است مستقل که شاید بتوان آن را تنها زبان جهانی و همگانی نژاد انسانی تلقی کرد.»

در هر حال، کاربرد واژه سمبل در زبان - به ویژه در حوزهٔ ادبیات - سبب پدید آمدن زبانی خاص به این نام و همچنین مکتبی ادبی با عنوان «سمبلیسم» شده است.

## ۲. تاریخچهٔ نمادها و سمبل‌ها

نمادها تاریخی به درازای تاریخ انسان‌ها دارند. نقاشی‌ها و سنگ‌نوشته‌هایی که از انسان‌های اولیه در غارها به یادگار مانده، نشان‌دهندهٔ این مطلب است که انسان‌های اولیه بسیاری از مفاهیم را به کمک نمادها به یکدیگر انتقال می‌داده‌اند.

نمادها در طول تاریخ حضوری محسوس داشته‌اند. در یونان قدیم که مهد فلاسفهٔ بزرگ است، به نمادها و سمبل‌ها اهمیت خاصی می‌داده‌اند و دلیل این ادعا نظریهٔ «مَثَل» افلاطون است. پس از این نظریه بود که نمادها وارد بحث‌ها و درس‌های فیلسوفان و دانشمندان شدند. (یونگ، ۱۳۷۸: ۲۸)

اگر از دیدگاه اسلامی به نماد نگرسته شود، باید گفت که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) عده‌ای از مسلمانان، که عده‌ای از آنان شیعیان بودند، برای قرآن معنایی باطنی قائل شدند و کشف این معانی را به امام معصوم اختصاص دادند. از اینجا بود که رمزها و نمادها به علوم اسلامی راه پیدا کردند. لازم به ذکر است که در خود قرآن نیز نمادها حضوری محسوس و عینی دارند. برای مثال، یوسف نماد و اسوهٔ زیبایی و مریم نماد و اسوهٔ پاکی و سکوت است.

بقیهٔ مطلب در وبگاه نشر به

رمز یا نمادیکی از  
فنون بسیار  
هنرمندانای است  
که در فرهنگ و تمدن  
انسان جلوه‌های  
گسترده و متنوعی  
دارد و از دیرباز مورد  
توجه گویندگان و  
شاعران بزرگ زبان  
فارسی قرار گرفته  
است